

بررسی و نقد

# حقیقت آفرینش از دیدگاه ملاصدرا

www.ketab.ir

مرتضی رضائی

استادیار مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام

انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام

۱۳۹۶

سرشناسه	:	رضائی، مرتضی، ۱۳۵۰ -
عنوان و نام پدیدآور	:	بررسی و نقد حقیقت آفرینش از دیدگاه ملاصدرا/ نویسنده مرتضی رضائی.
مشخصات نشر	:	قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، انتشارات، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	:	۳۸۲ص.
فروست	:	انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)؛ ۱۳۱۴. فلسفه؛ ۱۹۵
شابک	:	۹۷۸-۶۰۰-۴۴۴-۰۸۴-۴
وضعیت فهرست نویسی	:	فیا.
یادداشت	:	کتابنامه.
یادداشت	:	نمایه.
موضوع	:	صدرالدین شیرازی، محمدبن ابراهیم، ۹۷۹ - ۱۰۵۰ق. - دیدگاه درباره آفرینش.
موضوع	:	Sadraddin Shirazi, Mohammad ebn Ebrahim -- Views on creation
موضوع	:	آفرینش.
موضوع	:	Creation
موضوع	:	وحدت وجود (فلسفه اسلامی).
موضوع	:	*Pantheism (Islamic philosophy)
موضوع	:	مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره). انتشارات.
شناسه افزوده	:	BBR۱۱۳۳/۱۷۷۶
رده‌بندی کنگره	:	۱۸۹/۱
رده‌بندی دیویی	:	۴۷۳۲۶۱۵
شماره کتاب‌شناسی ملی	:	



شمارهٔ ردیف ۱۳۱۴  
شمارهٔ موضوعی فلسفه-۱۹۵  
۱۳۹۶-۴۵

### ■ بررسی و نقد حقیقت آفرینش از دیدگاه مابعدرا

● مؤلف: مرتضی رضائی

● ناشر: انتشارات مؤسسهٔ آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)

● چاپ: پایپروس

● نوبت چاپ: اول

● تاریخ چاپ: بهار ۱۳۹۶

● قیمت: ۲۷۰۰۰ تومان

● دفتر مرکزی: قم، خیابان شهید، کوی ممتاز، پلاک ۲۸

● تلفن و شماره: ۰۲۵-۳۷۷۴۲۳۲۶

● شعبه تهران: خیابان انقلاب، بین خیابان ۱۲ فروردین و شهید منیری جاوید، ساختمان شماره ۳۱۰، طبقه سوم، واحد ۱۱۲

● تلفن و شماره: ۰۲۱-۶۶۴۶۶۱۲۱

● شعبه مؤسسه امام خمینی (ره): قم، بلوار امین، بلوار جمهوری اسلامی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)

● تلفن: ۰۲۵-۳۲۱۱۳۶۲۹

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۴۴-۰۸۴-۴

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است

## فهرست مطالب

۱۳ ..... مقدمه معارف فلسفی

۱۶ ..... مقدمه

### فصل اول: مبانی و مقدمات

۲۳ ..... درآمد

۲۴ ..... اشتراک معنوی مفهوم وجود

۲۹ ..... اصالت وجود

۳۳ ..... بساطت وجود

۴۱ ..... تشکیک وجود

۴۵ ..... ۱. معنای تشکیک وجود

۵۰ ..... ۲. ارکان و مؤلفه‌های تشکیک وجود

۵۰ ..... ۲-۱. کثرت حقیقی موجودات

۵۱ ..... ۲-۲. وحدت حقیقی موجودات

۵۷ ..... ۲-۳. عینیت وحدت و کثرت وجود

۵۷ ..... ۲-۳-۱. سریان حقیقی واحد در کثرات

۶۱ ..... ۲-۳-۲. بازگشت کثرت به حقیقت واحده وجود

۳. تشکیک طولی وجود ..... ۶۲
- سنخیت علت و معلول ..... ۶۵
- جعل در وجود ..... ۷۳
۱. پذیرفتن فاعلیت وجودی ..... ۷۴
۲. مجعول بالذات بودن وجود ..... ۷۷
۳. عینیت وجود فاعل و فاعلیت آن در فاعل مُعطی الوجود ..... ۸۵
۴. عینیت معلولیت معلول با وجود آن ..... ۸۹
- عین الربط بودن معلول نسبت به علت هستی بخش ..... ۹۲
۱. مفهوم صرفی و مفهوم اسمی ..... ۹۵
۲. تقسیمات وجودی ..... ۹۶
- ۱-۲. وجود فی نفس و فی غیره ..... ۹۶
- ۲-۲. وجود فی نفس و فی غیره ..... ۹۷
- ۲-۳. وجود رابط و رابطی ..... ۹۸
- ۲-۳-۱. اقسام وجود رابط ..... ۱۰۰
- الف) وجود رابط در قضایا ..... ۱۰۰
- ب) وجود رابط نسبت به علت ..... ۱۰۲
- ۲-۳-۲. چند نکته درباره وجود رابط معلول ..... ۱۰۷
۳. دلیل صدرا بر رابط بودن وجود معلول ..... ۱۲۰
۴. وجود رابط معلول و وحدت شخصی وجود ..... ۱۲۲
- نسبت نظریه تشکیک خاصی (وحدت تشکیکی وجود) با نظریه وحدت شخصی وجود ..... ۱۲۵
- جمع بندی فصل اول ..... ۱۲۹

## فصل دوم: چیستی آفرینش در نگاه صدرا

درآمد.....	۱۳۷
جلوه و شأن بودن معلول نسبت به علت هستی‌بخش.....	۱۳۷
۱. اعتبارات وجود.....	۱۳۸
۲. چینش نظام عرفانی.....	۱۴۳
۲-۱. مقام ذات.....	۱۴۳
۲-۲. مقام احدیت.....	۱۴۸
۲-۱. مقام واحدیت.....	۱۵۰
۲-۴. نفس و عمانی (فیض منیسط).....	۱۵۳
۱-۵. تینان (الم) خلقی.....	۱۶۳
۲-۵-۱. عالم عقل.....	۱۶۴
۲-۵-۲. عالم مثال.....	۱۶۵
۲-۵-۳. عالم ماده.....	۱۶۷
۳. حیثیت‌های اطلاق، تعلیلی و تقییدی.....	۱۶۸
۳-۱. حیثیت تعلیلی.....	۱۶۹
۳-۲. حیثیت تقییدی.....	۱۶۹
۳-۳. حیثیت اطلاق.....	۱۷۴
۴. تشوُن و تجلی به‌جای علیت (شأن و جلوه بودن مغایرت).....	۱۷۵
۴-۱. تجلی (جلوه).....	۱۷۶
۴-۲. تشوُن (شأن).....	۱۸۱
۴-۳. نسبت تجلی با حلول و اتحاد.....	۱۸۵
۴-۴. عینیت و تمایز متجلی و جلوه.....	۱۸۸
۴-۵. بسیط الحقیقه کل الأشياء و لیس بشیء منها.....	۱۹۲

۵. نسبت شتون و جلوه‌ها با حضرت حق، جلّ شأنه ..... ۲۰۰
۶. اسمای الهی و جایگاه آنها در آفرینش ..... ۲۰۴
- ۶.۱. نسبت اسم با مسما ..... ۲۱۰
- ۶.۲. تقسیم اسما به «اسمای الهی» و «اسمای کونی» و نسبت آنها با اعیان ..... ۲۱۲
۷. نسبت عالم با خدای متعال ..... ۲۱۹
۸. کثرات امکانی؛ پندار یا واقعیت؟ ..... ۲۲۲
- جمع بندی فصل دوم ..... ۲۲۸

### فصل سوم: بررسی و نقد نگرش صدرا به حقیقت آفرینش

- درآمد ..... ۲۴۵
- ادله عقلی ملاصدرا بر وحدت شخصی وجود ..... ۲۴۶
- دلیل اول: اثبات وحدت شخص وجود از راه هویت‌شناسی معلول ..... ۲۴۷
- بررسی و نقد ..... ۲۵۰
- دلیل دوم: اثبات وحدت وجود از راه قاعده بسیط الحقیقه و عدم تناهی واجب تعالی ..... ۲۵۵
- بررسی و نقد ..... ۲۶۲
- دلیل سوم: اثبات وحدت وجود از راه محال دانستن انتزاع وجود از ممکن بماهو ممکن ..... ۲۶۴
- تقریر دلیل سوم ..... ۲۶۹
- بررسی و نقد ..... ۲۷۳
- ادله نقلی ملاصدرا بر وحدت شخصی وجود ..... ۲۷۴
- دسته اول. آیات و روایات مربوط به ظهور حق تعالی در همه اشیا و احاطه او بر همه چیز ..... ۲۷۶

۲۹۶.....	دسته دوم: آیات مربوط به وحدت حق تعالی
۲۹۸.....	دسته سوم: آیات مربوط به قرب خداوند به اشیا
۳۰۳.....	دسته چهارم: آیات مربوط به مالکیت خداوند نسبت به همه اشیا
۳۰۷.....	دسته پنجم: آیات مربوط به توحید افعالی خداوند
۳۱۱.....	بررسی و نقد ادله نقلی صدرا بر وحدت شخصی وجود
۳۱۶.....	۱. اشکال مشترک
۳۲۰.....	۲. اشکالات اختصاصی
۳۲۷.....	جمع بندی فصل سوم
	<b>فصل چهارم: جمع بندی و چند پیشنهاد</b>
۳۳۳.....	جمع بندی
۳۴۴.....	چند پیشنهاد
۳۴۷.....	منابع
۳۶۱.....	نمایه ها

www.ketabo.ir



## مقدمه و موانع پژوهش

حقیقت اصلی ترین جاودانه ترین و زیباترین راز هستی و نیاز آدمی است که سلسله مؤمنان و عالمان صادق چه جان‌ها که در راه آن نباخته، و جاهلان و باطل پرستان چه توفانها و گرفتارها که برای محو و مسخ آن نساخته‌اند. چه تلخ واقعیتهای است مظلومیت حقیقت، و چه شیرین حقیقتی است این واقعیت که در مصاف همیشگی حق و باطل، سرفراز است و سرفراز است و باطل از بین رفتنی و نگونسار. این والا و بالانشینی حقیقت، گذشته از سرشت حق، وام‌دار کوشش‌های خالصانه و پایان‌ناپذیر حقیقت جو است که در عرصه نظر و عمل کمر همت محکم بسته و از دام و دانه دنیا رسته‌اند. در این میان نقش و تأثیر ادیان و پیامبران الهی، و به‌ویژه اسلام و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و حانشینان برحق و گرامی او، برجسته‌ترین است.

دانشمندان نام‌آور شیعه رسالت خطیر و بی‌نظیر خویش را بهره‌گیری از عقل و نقل و غوص در دریای معارف قرآن و برگرفتن گوهر ناب حقیقت از سیره آن پیشوایان و عرضه آن به عالم بشری و دفاع جانانه در برابر هجوم ظلمت پرستان حقیقت‌گریز دانسته و در این راه دیده‌ها سوده و جان‌ها فرسوده‌اند. اکنون در عصر بحران معنویت که دشمنان حقیقت و آدمیت هر لحظه با تولید و انتشار

فزون از شمار آثار نوشتاری و دیداری و به‌کارگیری انواع ابزارهای پیشرفته سخت‌افزاری و نرم‌افزاری در عرصه‌های گوناگون برای سیطره بر جهان می‌کوشند، رسالت حقیقت‌خواهان و اندیشمندان حوزوی و دانشگاهی، به‌ویژه عالمان دین، بس عظیم‌تر و سخت‌دشواری‌تر است.

در جهان تشیع، پژوهشگران حوزوی در علوم فلسفی و کلامی، تفسیری و حدیثی، فقهی و اصولی و نظایر آن کارنامه درخشانی دارند، و تأملات ایشان بر تارک پژوهش‌های اسلامی می‌درخشد. در زمینه علوم طبیعی و تجربی و فناوری‌های جدید نیز پژوهشگران ما تلاش‌هایی چشمگیر کرده، گام‌هایی نویدبخش برداشته و به جایگاه درخور خویش در جهان نزدیک شده‌اند، و می‌کوشند تا با فعالیت‌های و زافزونشان مقام شایسته خویش را در صحنه علمی بین‌المللی بازیابند. ولی در قلمرو پژوهش‌های علوم اجتماعی و انسانی تلاش‌های دانشمندان این مرزوبوم آن‌گونه که نمایسته نظام اسلامی است به بار ننشسته و آنان گاه به ترجمه و اقتباس نظریات دیگران بسنده کرده‌اند. در این زمینه کمتر می‌توان ردپای ابتکارات و به‌ویژه خلاقیت‌های برخاسته از مبانی اسلامی را یافت و تا رسیدن به منزلت مطلوب راهی طولانی و بحال در پیش است. از این رو، افزون بر استنباط، استخراج، تفسیر و تبیین آموزه‌های دینی و سازمان‌دهی معارف اسلامی، کاوش در مسائل علوم انسانی و اجتماعی از دیدگاه اسلامی و تبیین آنها از مهم‌ترین اهداف و اولویت‌های مؤسسات علمی به‌ویژه مراکز پژوهشی حوزه‌های علمیه است.

مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته‌الله‌علیه در پرتو تأییدات رهبر کبیر انقلاب اسلامی و حمایت‌های بی‌دریغ خلف صالح وی، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای «مد ظله‌العالی» از آغاز تأسیس براساس سیاست‌ها و اهداف ترسیم‌شده از سوی حضرت آیت‌الله محمدتقی مصباح یزدی «دامت برکاته» به امر

پژوهش‌های علمی و دینی اهتمام داشته و در مسیر برآوردن نیازهای فکری و دینی جامعه، به پژوهش‌های بنیادی، راهبردی و کاربردی پرداخته است. معاونت پژوهش مؤسسه برای تحقق این مهم، افزون بر برنامه‌ریزی و هدایت دانش‌پژوهان و پژوهشگران، در زمینه نشر آثار محققان نیز کوشیده و بحمدالله تاکنون آثار ارزنده‌ای را در حد توان خود به جامعه اسلامی تقدیم کرده است.

کتاب پیش روی، پژوهشی است در قلمرو فلسفه اسلامی که با تلاش پژوهشگر ارجمند حجت‌الاسلام والمسلمین مرتضی رضائی نگارش یافته است. هدف اصلی نویسنده ارائه تصویری از چیستی آفرینش از نگاه صدرالمتألهین، و بررسی و نقد تئوریک مبنای آن، یعنی نظریه «وحدت شخصی وجود» است.

معاونت پژوهش از مؤلف محترم و حجج اسلام والمسلمین آقایان استاد غلامرضا فیاضی و دکتر معتمدی مصباح که با مطالعه و ارائه نظرهای سودمندشان، بر اتقان و غنای اثر افزوده‌اند، صمیمانه سپاسگزاری می‌کند و توفیق روزافزون ایشان را از خداوند منان خواستار است.

معاونت پژوهش

مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته‌الله

## مقدمه

پذیرش اصل وقوع آفرینش (خلقت)، در گرو پذیرش فاعلیت وجودی و بسنده نکردن به فاعلیت طبیعی است. فاعل در معنای عام آن عبارت است از: موجودی که در موجودی دیگر تأثیر می‌گذارد. این تأثیر یا به گونه‌ای است که موجود دیگر (مفعول)، اصل هستی‌اش را از فاعل دریافت می‌کند و با هستی‌بخشی او از عدم یا به عین وجود می‌گذارد، یا به گونه‌ای است که مفعول، صرفاً در وصفی از اوصافش یعنی در حرکات و دگرگونی‌هایش از فاعل اثر می‌پذیرد، ولی در اصل هستی‌اش و مدار آن نیست. فاعل را در حالت اول، «فاعل وجودی»، و در حالت دوم، «فاعل طبیعی» می‌نامند.

با پذیرش فاعلیت وجودی (حالاتی)، این پرسش مهم پیش می‌آید که اصولاً در خلقت<sup>۱</sup> چه رخ می‌دهد و اشیا با چگونه فایندهی واقعیت‌دار می‌شوند؟ و

۱. آن‌گونه که از برخی کتب لغت برمی‌آید واژه «خلق» ریشه اصلی دارد؛ یکی تقدیر و اندازه‌گیری چیزی، و دیگری نرمی شیء (ر.ک: احمدبن فارس، معجم مقاییس اللغة، ج ۲، ص ۲۱۴-۲۱۵). مسلماً مراد از خلقت در بحث حاضر، چیزی است که به ریشه نخست، یعنی تقدیر و اندازه‌گیری باز می‌گردد. بسیاری از لغت‌شناسان به اصل و ریشه تقدیر در واژه خلقت اشاره کرده‌اند (ر.ک: همان؛ احمدبن محمد الفیومی، المصباح المنیر، ج ۱، ص ۱۸۰؛ محمدبن مکرم ابن منظور، لسان العرب، ج ۴، ص ۱۹۲-۱۹۳؛ حسین بن محمد راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن الکریم، ص ۲۹۶). به هر حال، واژه «خلقت» در لغت، به معنای آفرینش و آفریدن است (ر.ک: احمدبن محمد الفیومی، المصباح المنیر، ج ۱، ص ۱۸۰؛ علی اکبر دهخدا، لغت‌نامه، ج ۷، ص ۹۹۲۶-۹۹۲۷). واژه «خلقت» در لغت معین، فرهنگ فارسی، ج ۱، ص ۱۴۳۶؛ محمدعلی التهانوی، کشف اصطلاحات العلوم والفنون، ج ۱، ص ۷۶۴) و به دو معنا به کار می‌رود: یک: ایجاد و ابداع شیئی که مسبوق به چیزی نبوده است؛ نه مسبوق به ماده قبلی و نه مسبوق به الگو و نمونه قبلی. این‌گونه خلقت (ابداع)، ویژه خدای متعال است و به کس دیگری قابل انتساب نیست (ر.ک: احمدبن فارس، معجم مقاییس اللغة، ج ۲، ص ۲۱۳-۲۱۴؛ احمدبن محمد الفیومی، المصباح المنیر، ج ۱، ص ۱۸۰؛ محمدبن مکرم ابن منظور، لسان العرب، ج ۴، ص ۱۹۲-۱۹۳؛ حسین بن محمد راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن الکریم، ص ۲۹۶؛ احمدبن محمد الفیومی، المصباح المنیر، ج ۱، ص ۱۸۰؛ علی اکبر دهخدا، لغت‌نامه، ج ۷، ص ۹۹۲۶-۹۹۲۷). ماده «خلقت» در معین، فرهنگ فارسی، ج ۱، ص ۱۴۳۶؛ محمدعلی التهانوی،

کشاف اصطلاحات العلوم و الفنون، ج ۱، ص ۷۶۴؛ دو: ایجاد چیزی از چیزی؛ مانند: خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْقَةٍ (نحل، ۴) (ر.ک: حسین بن محمد راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن الکریم، ص ۲۹۶).

در اصطلاح نیز خلقت (خلق)، گاه به معنای مطلق آفرینش به کار می رود، صرف نظر از اینکه مسبوق به چیزی باشد یا خیر، و گاه به معنای آفرینشی که مسبوق به چیز قبلی است به کار می رود: الخلق: اسم مشترک فیقال خلق لإفادة وجود كيف كان ويقال خلق لإفادة وجود حاصل عن مادة وصورة كيف كان (ابن سینا، رسائل ابن سینا، ص ۱۱۹-۱۲۰). اصطلاح نخست خلقت شامل «ابداع» نیز می شود: الإبداع... تأسيس الشيء لا عن شيء ولا بواسطة شيء (همان)؛ الإبداع هو ان يكون من الشيء وجود لغيره متعلق به فقط، دون متوسط من ماده او آلة او زمان (همو، الاشارات و التنبيهات، شرح خواجه نصیرالدین طوسی، ج ۳، ص ۲۰۱). ابن سینا در جایی ابداع را مخصوص عقول (مادرات) و خلق را ویژه موجودات مادی و طبیعی می داند (ر.ک: همو، تسع رسائل فی الحکمة و الطبيیات، ص ۱۳۷)؛ چنان که برخی در توضیح کلام الهی **أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ** (اعراف، ۵۴) عالم امر را همان عالم مجردات و عالم نفس (عالم مادیات دانستند: له الخلق والأمر؛ فالخلق عالم الاجسام، والأمر عالم المجردات) (شمس الدین الیهرزدی، شرح حکمة الاشراق، مقدمه و تحقیق حسین ضیائی تربتی، ص ۵۹۸. نیز، ر.ک: صدرالدین محمد شیرازی، الاشارات و التنبيهات، ج ۶، ص ۲۲۰).

گاهی نیز آفرینش و ابداع به سه قسم تقسیم می گردد: ابداع، احداث و تکوین. ابداع - همان گونه که گذشت - آفرینشی است که مسبوق به ماده و زمان نیست؛ احداث آفرینشی است که مسبوق به ماده و زمان - هر دو - است؛ و تکوین آفرینشی است که مسبوق به ماده است، ولی مسبوق به زمان نیست؛ مانند آفرینش افلاک: الایجاد اما ان يكون مسبوقا بمادة و زمان او لا فان لم يكن مسبوقا فهو الابداع وإن كان مسبوقا بزمان فهو الاحداث وإلا فهو التكوين. فالاحداث إبداع مسبوق بمادة و زمان كالاجرام المكونة، والتكوين إبداع مسبوق بمادة دون زمان كالافلاك المكونة، وليس هاهنا قسم آخر هو إبداع مسبوق بزمان دون مادة (ابن سینا، الاشارات و التنبيهات، شرح خواجه نصیرالدین طوسی، ج ۲، ص ۲۰۱، تعلیقه شماره ۱. نیز، ر.ک: صدرالدین محمد شیرازی، المبدأ و المعاد، تصحیح سیدجلال الدین آشتیانی، ص ۱۷۱). شیخ اشراق نیز همین تقسیم را در «افینش مطرح می کند: الابداع هو ان يكون وجود شيء عن شيء غير متوقف على غيره اصلا كمادة و وقت و شرط... غير التكوين المنسوب الى المادة و الاحداث المنسوب الى وقت و اعلى منهما (شهاب الدین السهروردی، شرح مصنفات شیخ اشراق، تصحیح و مقدمه هانری کرین، ج ۱، ص ۴۴). شهرزوری نیز در توضیح اعلا بودن ابداع نسبت به احداث و تکوین می نویسد: إنما كان المبدع أعلى من التكوين و الإحداث لكونه أقرب إلى المبدأ الأول في مرتبة العلية، لعدم المتوسط من التكوين و الإحداث من المفتقر في وجوده إلى توسطهما (شمس الدین الشهرزوری، رسائل الشجرة الالهية فی علوم الحقایق الربانية، مقدمه و تصحیح نجفقلی حبیبی، ج ۳، ص ۳۰۲). خواجه نصیرالدین طوسی نیز می نویسد: الإبداع أقدم منهما، لأن المادة لا يمكن أن تحصل بالتكوين، و الزمان لا يمكن أن يحصل بالاحداث، لا متتابع كونهما مسبوقين بمادة أخرى و زمان آخر؛ فإذا ن التكوين و الإحداث مرتبان على الإبداع وهو أقرب منهما إلى العلة الأولى -

اساساً نحوه ارتباط خالقانه خدای متعال با مخلوقات چگونه است؟ به عبارت تفصیلی‌تر، آیا آفرینش به این صورت است که مخلوق، با اراده خدا، به یکباره، در گوشه‌ای از جهان هستی موجود می‌شود، و در کنار خداوند، سهمی از هستی و جهان را به خود اختصاص می‌دهد؟ یا اینکه مثلاً مخزنی هست که انباشته از وجود است، و خداوند به اندازه سهم هریک از مخلوقات از آن مخزن برمی‌دارد و به آن مخلوق خاص اعطا می‌کند، و با این فرایند، مخلوقات موجود می‌شوند؟ یا خداوند به هنگام آفرینش یک مخلوق، بخشی از وجود خود را جدا می‌کند و به آن مخلوق می‌بخشد؟ یا آنکه نه مخزنی در کار است و نه خدا بخشی از وجود خود را به مخلوق اعطا می‌کند؛ بلکه خداوند هنگامی که قصد آفرینش چیزی را می‌کند، در آن چیز حضور می‌یابد و با حضور اوست که آن شیء واقعیت‌دار و موجود می‌شود و با این اساس می‌توان گفت مخلوقات بر اثر انبساط خداوند پدید می‌آیند؟ یا اصولاً حقیقت آفرینش به گونه دیگری است؟ به هر روی، چیستی آفرینش، کانون تجربی، ندیشه‌وران و متألهان بسیاری قرار

---

فهو أعلى مرتبة منهما (ابن سینا، الاشارات و التنبیها، شرح خواجہ مسلمان طوسی، ج ۳، ص ۱۲۰). البته محقق طوسی، در جایی خلق را مرادف ایجاد و الفاظ هم‌معنای آن دانسته، و همچنین الفاظ را در معنایی عام به کار برده است: التكوين والاختراع والایجاد والخلق، الفاظ تشرک فی معنی و تباين بعمل التشرک فيه کون الشيء موجداً من العدم ما لم یکن موجوداً (نصیرالذین طوسی، تلخیص المحصل، ص ۳۱۲).

غزالی نیز می‌گوید: قد یقال: خلق، لإفادة وجود کیف کان؛ وقد یقال: خلق، لإفادة وجوده و جود خاصه عن مادة و صورة کیف کان؛ وقد یقال خلق لهذا المعنی الثاني لکن بطریق الاختراع من غیر سبق مادة فيها قوه وجوده وامکانه (ابوحامد محمد غزالی، الحدود (رسائل منطقیة فی الحدود و الرسوم)، تحقیق عبدالامیر الاعسم، ص ۱۸۶).

آنچه ما از واژه آفرینش در این نوشتار مراد می‌کنیم، معنای عام آفرینش و خلقت است که شامل همه‌گونه آفرینش الهی - که در بالا به آن اشاره رفت - می‌شود.

۱. در هرکدام از سه صورت اخیر، آیا مخلوق همانند ظرفی توخالی است که با اعطای وجود و انضمام آن یا با حضور خداوند، توپر می‌شود یا آنکه اساساً پیش از اعطای وجود - و به اصطلاح، در مقام ذات مخلوق - خبری از مخلوق، حتی در حد یک ظرف توخالی هم نیست؟

گرفته، و نظریات و دیدگاه‌های متنوعی را پیرامون خود پدید آورده است. نحله‌ها و جریان‌های فکری کلامی، فلسفی و عرفانی، هر کدام به فراخور مبانی فکری و نوع نگرش خود، کوشیده‌اند فرایند آفرینش را تبیین و تفسیر کنند.

متکلمان - که مدعی‌اند جهان‌بینی آنها حاصل نقل است - «خلقت» موجود در متون دینی را متناسب با نوع نگاه خود به جهان هستی تفسیر کرده‌اند؛ چنان‌که فلاسفه با تکیه بر روش عقلی، و عرفا با اصل قرار دادن کشف و شهود، کوشیده‌اند تفسیری خاص خود، از آنچه در متون دینی با عنوان خلقت از آن تعبیر می‌شود، عرضه کنند. بالطبع، هر کدام از سه گروه یادشده - با صرف‌نظر از اختلافاتی که در میان اعضای هر گروه وجود دارد - نافی دیدگاه دو گروه دیگرند، و در این بین کسی فراگیر که هم بر متون دینی، هم بر عقل و هم بر کشف تکیه کرده، و سعی در ارائه دیدگاهی جامع و هماهنگ داشته باشد، به چشم نمی‌آید.

از آنجاکه در حکمت صدرایی، اساساً هماهنگی عقل و وحی و شهود است<sup>۱</sup> و این هماهنگی<sup>۲</sup> می‌تواند دید کامل‌تر و جامع‌تری پدید آورد و زمینه را برای نیل

۱. حکمت متعالیه صدرایی، گرچه به اقتضای فلسفی بودنش، روش عقلی بهره می‌گیرد و تنها راه مقبول برای وصول به حقیقت در احکام عقلی و هستی‌شناسی فلسفی را «روش برهانی» معرفی می‌کند (ر.ک: صدرالدین محمد شیرازی، *الاسفار العقلية الأربعة*، ج ۳، ص ۴۷۵ و ج ۵، ص ۹۱) به صراحت، عقل و نقل را منطبق بر یکدیگر، و فلسفه معارض با وحی را شایسته تباهی می‌داند (ر.ک: همان، ج ۵، ص ۲۰۵ و ج ۷، ص ۳۲۶-۳۲۷ و ج ۸، ص ۳۰۳؛ همو، *المبدأ و المعاد*، تصحیح سیدجلال‌الدین آشتیانی، ص ۵؛ همو، *مفاتیح الغیب*، مقدمه و تصحیح محمد خواجوی، ص ۱۴۳)؛ همچنان‌که فلسفه غیر مؤید به کشف را حکمت، و فیلسوف مجرب از شهود حقایق را حکیم نمی‌داند (همو، *مفاتیح الغیب*، مقدمه و تصحیح محمد خواجوی، ص ۴۱)؛ بلکه صدرا در میان امت اسلام، خود را تنها کسی می‌داند که قدرت کافی بر استدلالی کردن مکشوفات عرفانی دارد (همو، *المبدأ و المعاد*، تصحیح سیدجلال‌الدین آشتیانی، ص ۳۸۲).

۲. یکی از شارحان حکمت متعالیه در این باره می‌نویسد: «امتياز اساسی حکمت متعالیه از سایر علوم الهی مانند عرفان نظری، حکمت اشراق، حکمت مشاء، کلام و حدیث، با اشتراکی که بین آنهاست، در این می‌باشد ←

به نظریه حق فراهم کند، دیدگاه ملاصدرا درباره حقیقت آفرینش، و میزان توفیق او در اثبات مدعایش را موضوع این تحقیق فلسفی قرار دادیم.<sup>۱</sup>

با مراجعه به متون صدرایی، مشخص شد:

اولاً نوع نگرش صدرالمতألهین به چیستی آفرینش، مبتنی بر مبانی خاص فلسفه ایشان، و برآمده از مؤلفه‌هایی ویژه است که بدون توجه به آنها، فهم درست نظریه او میسر نخواهد گردید؛

ثانیاً در این مکتوبات، رابطه خالقانه خدای متعال با مخلوقات، گاه به شکل علیت و در چارچوب نظریه تشکیک خاصی، و گاه به صورت تجلی و تشوّن و در قالب نظریه رحلت شخصی وجود تبیین می‌شود. به همین روی، لازم بود پیش از هرگونه استنتاجی، نسبت این دو نظریه با یکدیگر مشخص گردد تا برداشت صحیحی از نگرش صدرالاصحورت گیرد. بنابراین نخست، توجهی به عناصر سازنده و لوازم این دو نظریه شد تا از این رهگذر معلوم شود که آیا این دو نظریه قابل تحویل به یکدیگرند، یا آنها را باید دو نظریه متفاوت دانست؛ و در صورت دوم، روشن شود که نظریه اصلی و نهایی صدرا کدام است تا در پرتو آن، حقیقت آفرینش تبیین و تفسیر شود.

---

که هر یک از آن علوم به یک جهت از جهات عرفان، برهان، قرآن و وحی اکتفا می‌نماید و به جهات دیگر نمی‌پردازد و اگر هم به جهتی از جهات دیگر دسترسی یافت، آن را مؤید فن خود می‌شمارد نه دلیل، و اگر هم توان دسترسی به آن را نداشت به همان جهت خاص خود بسنده می‌نماید. لیکن حکمت متعالیه کمال خود را در جمع بین ادله یادشده جست‌وجو می‌کند و هر کدام را در عین لزوم و استقلال، با دیگری می‌طلبد و با اطمینان به هماهنگی و جزم به عدم اختلاف، همه آنها را گرد هم می‌بیند (عبدالله جوادی آملی، رحیق مختوم، تدوین حمید پارسانیا، ج ۱، (شرح ج ۱ اسفار)، ص ۱۶).

۱. رفع ابهام و پیدا کردن شناخت صحیح درباره چیستی آفرینش و چگونگی ارتباط خالقانه خدای متعال با مخلوقات، و نیز فراهم آمدن زمینه برای تفسیر و برداشت درست از متون دینی مرتبط با حقیقت آفرینش، می‌تواند از جمله دستاوردهای این پژوهش باشد.



به نظر می‌رسد اولاً نظریه وحدت وجود متفاوت با نظریه تشکیک خاصی است؛ و ثانیاً نظریه نهایی صدرا همان وحدت شخصی وجود است. به همین روی، در این پژوهش، نگاه صدرا به حقیقت آفرینش، در چارچوب همین نظریه، و بر اساس مغایرت آن با نظریه تشکیک خاصی تبیین می‌گردد.

به این ترتیب، پس از فصل اول، که کلیات تحقیق در آن بیان می‌شود، فصل دوم این نوشته، به معرفی مبانی مؤثر در شکل‌گیری نگرش صدرا به حقیقت آفرینش، و نیز به اشاره‌هایی به نظریه تشکیک خاصی و مقدمات و برخی مباحث مرتبط با آن، اختصاص می‌یابد. در فصل سوم، نگاه صدرا به حقیقت آفرینش و عناصر سازنده آن تبیین خواهد شد. فصل چهارم نیز به بررسی ادله عقلی و نقلی صدرالمতألهین در مابین می‌پردازد، و سرانجام در فصل پنجم نتیجه‌گیری و پیشنهادهایی برای تحقیقات بعدی ارائه خواهد شد.

گفتنی است اگرچه آثار و نزد وجود دارد که هرکدام به برخی مباحث مطرح‌شده در پژوهش پیش‌رو پرداخته‌اند، این آثار - به‌رغم داشتن نقاط قوت فراوان - هیچ‌یک پژوهشی کامل در این باره به شمار نمی‌آیند. از این رو، کوشیده‌ایم با توجه به کاستی‌های آنها، در حد امکان، اثری کم‌نقص عرضه کنیم. بر این اساس، تلاش شده مبانی، مقدمات و مؤلفه‌های مؤثر در فهم حقیقت آفرینش از دیدگاه ملاصدرا، به ترتیبی منطقی و گویا چینه‌شده و دیدگاه صدرا از طریق آنها - به نحوی روشن - استخراج گردد. به تعبیر دیگر، کوشیده‌ایم از خلال مباحث مطرح‌شده، ذهن خواننده گام‌به‌گام و با ترتیبی منظم، به فهم چستی آفرینش در نگاه صدرالمتألهین نایل شود. همچنین سعی شده است چنانچه طرح مباحثی، اشکال یا سؤالی را به دنبال می‌آورد، در پاورقی همان بحث، یا در بحث بعدی به گونه‌ای به آن اشکال و سؤال پاسخ داده شود و به اصطلاح، دفع دخیل مقدر صورت گیرد. همین‌طور، هرجا در طول مباحث،

احساس می‌شد مطلبی نیاز به توضیح و تفصیل بیشتر دارد، آن مطلب در قالب پاورقی و با بیانی گویا توضیح داده شده یا در پاورقی نکاتی مرتبط با بحث، عرضه شده است تا به فهم بهتر مطلب یادشده کمک کند.

خلاصه اینکه چنین مباحث این نوشتار، توضیح آنها و نحوه استخراج نگرش صدرا از خلال آنها، کاملاً نو و ابتکاری است. افزون بر اینکه احصا و تبیین همه ادله نقلی صدرا بر وحدت شخصی وجود، و بررسی و نقد آنها - در کنار معرفی و نقد سه دلیل عقلی وی بر وحدت شخصی - در هیچ اثری یافت نشد.

در پایان، ان‌همه گران‌مایگانی که در سامان گرفتن و به انجام رسیدن این پژوهش دخیل بودند، به ره از استادان فرهیخته، حضرت آیت‌الله غلامرضا فیاضی، دام‌ظله، حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین سیدیدالله یزدان‌پناه و جناب دکتر محمد فنائی اشکوری - دانست برکاتهما - در کمال فروتنی سپاسگزاری می‌کنم.

قم - مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته‌الله

مرتضی رضائی - مهرماه ۱۳۹۳

WWW.Ketab